

خطر در کمین تماشاچیان تصادفات

با وجود اینکه حس کنجکاوی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان است که می‌تواند به رشد و بقای او کمک کند، اما اگر از آن به‌جا استفاده نشود، می‌تواند موجب آسیب‌های غیرقابل جبران شود. به عنوان مثال، اگر این کنجکاوی برای حل مسئله‌ای باشد، می‌تواند بسیار از زشمتد باشد، اما بر عکس، اگر این حس مربوط به حضور در صحنه یک حادثه باشد، می‌تواند به بروز فاجعه‌ای منجر شود. به‌عنوان مثال، حضور افراد در صحنه یک آتش‌سوزی یا در مکانی که درگیری فیزیکی بین یک یا چند نفر است، یا محلی که در آن حیوانات وحشی یا گزنده وجود دارند، می‌تواند به قیمت آسیب رسیدن یا از دست دادن جان منجر شود. اما در این میان، موضوعی که باید به آن توجه شود و به آن پرداخته شود، موضوع مهم حضور در صحنه تصادف به عنوان تماشاگر است. بارها در خبرها خوانده‌ایم که در جریان یک سانحه رانندگی چند نفر جان خود را از دست دادند، در حالی که هیچ ربطی به آن حادثه نداشتند. موضوع زمانی تأثر انگیزتر می‌شود که این حادثه تلفات جانی نداشته است. اما زمانی که تعدادی از افراد برای کمک یا دیدن صحنه به محل نزدیک شدند، بر اثر برخورد خودروهای عبوری که بعضاً رانندگان آنها نیز حس کنجکاوی داشتند، متوجه افراد حاضر در صحنه نشده و به‌ناگهان با آنها تصادف می‌کنند. این در حالی است که بارها کارشناسان پلیس راهور فراخ را در این رابطه هشدار داده‌اند.

کارشناسان بررسی حوادث رانندگی فراجمع‌معتقدند با دیدن صحنه تصادف، ضمن رعایت خونسردی، خود در اولین اقدام با شماره تلفن پلیس ۱۱۰ تماس گرفته و بعد از دادن آدرس محل حادثه، بلافاصله با شماره ۱۱۵ اورژانس تماس بگیرند؛ چرا که تجمع در محل حادثه ضمن ایجاد ترافیک در خیابان یا جاده، موجب بروز تصادف می‌شود که بعضاً مرگبار است. در ضمن، این موضوع می‌تواند موجب اختلال در امدادرسانی پلیس و عوامل امدادی شود که بعضاً منجر به مرگ حادثه‌دیدگان یا قطع عضو و معلولیت دائمی افراد حادثه‌دیده می‌شود.

سرفت طلاوارز با آبمیوه مسموم

مردی که به اتهام سرفت طلا و ارز از منزل یک زن جوان با استفاده از آبمیوه حاوی قرص خواب‌آور تحت تعقیب قرار داشت، در تهران بازداشت شد. به گزارش «جوان»، سرهنگ سید قاسم موسوی‌فر، معاون مبارزه با سرفت‌های خاص پلیس آگاهی تهران گفت: پس از ثبت شکایت زنی جوان درباره سرفت طلا و از جواهرش، کارا اگاهان برای سسی دوربین‌های مدار بسته و انجام تحقیقات میدانی، هویت متهم را شناسایی و او را در محدوده تهرانپارس دستگیر کردند. متهم در اولین بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و اموال سرفتنی از مخفیگاهش کشف شد. متهم در بازجویی‌ها گفت بعد از آشنایی با زن جوان وقتی متوجه شده وی صاحب طلا و ارز است او را با خودراندن آب میوه مسموم بیهوش و اموالش را سرفت کرده است. تحقیقات بیشتر از متهم جریان دارد.

آرمین بینا

مردی که پس از آشنایی با دختر جوان در فضای مجازی به خواستگاری او رفته بود، وقتی با جواب منفی روبه‌رو شد، خودروی پی‌ژوی او را با مایع اسیدی تخریب کرد و تهدیدش کرد که در صورت ادامه مخالفت، به صورتش اسید می‌پاشد و او را به قتل می‌رساند. چند روز قبل، دختر جوانی همراه پدرش به اداره پلیس تهران رفت و از مردی به نام بهنام به اتهام اسیدپاشی به خودروی خود و تهدید به قتل و اسیدپاشی شکایت کرد.

آشنایی در فضای مجازی

دختر جوان که به‌شدت ترسیده بود و هنگام شرح ماجرا دست‌وپایش می‌لرزید، به مأموران گفت: «مدتی قبل در فضای مجازی با مردی به نام بهنام آشنا شدم. او خودش را مهندس و مدیرعامل یک شرکت معرفی می‌کرد و می‌گفت در آمد خوبی دارد. چند روزی با هم از طریق پیامک و تلفن ارتباط داشتیم تا اینکه به من پیشنهاد ازدواج داد. او با حرف‌هایش مرا فریب داد و من هم به او علاقه‌مند

آرمین بینا

سارق سابقه‌دار که با همدستی سه نفر به خانه‌های اعیانی دستبرد می‌زد و گاوصندوق‌های مملو از طلا، دلار و سکه را خالی می‌کرد، یک لحظه غفلت و خارش پیشانی، پایان سرفت‌های میلیاردی او را رقم زد. اوایل تابستان امسال، مأموران پلیس تهران با شکایت مردی پولدار از سرفت چند میلیارد تومانی خانه‌اش در یکی از خیابان‌های شمال شرق تهران، تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان آغاز کردند. بررسی‌های اولیه نشان داد صاحب خانه چند روز قبل به همراه خانواده‌اش برای سفر به شمال کشور رفته بود، اما هنگام بازگشت با صحنه عجیبی روبه‌رو شد. تویی قفل در ورودی تخریب‌شده و وسایل خانه به‌هم ریخته بود. مرد میانسالی پس از بررسی خانه، متوجه شد سارقان به سراغ گاوصندوق رفته و دلارها، طلاها و سکه‌های داخل آن را که بیش از ۱۰ میلیارد تومان ارزش داشت، سرفت کرده‌اند. شاکی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «چند روز قبل برای مسافرت به شمال رفتم. وقتی برگشتم، متوجه

سارق حرفه‌ای:

خارش پیشانی مرالو دادا!



شدیم قفل در تخریب شده و همه وسایل خانه به هم ریخته است. به سراغ گاوصندوق رفتم و با دیدن در باز آن فهمیدم دلارها، طلاها و سکه‌هایم به سرفت رفته است.»

با ثبت شکایت، پرونده به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای سرفت در اختیار کارا اگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی صحنه سرفت نشان می‌داد سارقان با دقت و مهارت عمل کرده‌اند و هیچ سرخ روشنی از خود به جا نگذاشته‌اند. دوربین‌های مداربسته محل حادثه و اطراف آن نیز تصویری از عاملان سرفت ثبت نکرده‌بودند.

قطع برق برای فرار از چشم دوربین‌ها

در حالی که تحقیقات برای شناسایی عاملان سرفت ادامه داشت، شکایت‌های مشابه دیگری به پلیس رسید. بررسی این پرونده‌ها نشان داد چهار سارق حرفه‌ای، خانه‌هایی را که احتمال می‌دادند صاحب خانه مقادیر زیادی طلا، پول نقد و ارز خارجی در خانه نگهداری می‌کنند، شناسایی می‌کردند و عمدتاً آخر هفته‌ها به سراغ آنها می‌رفتند. اعضای این باند پس از ورود به خانه، مستقیم سراغ گاوصندوق می‌رفتند و تلاش می‌کردند در آن را باز کنند. اگر موفق به باز کردن

گفت‌وگو با متهم

به مخفیگاهمان منتقل می‌کردیم تا آنجا برای باز کردنش تلاش کنیم.

پیش‌امده بود طلا و جواهرات را بیرون از گاوصندوق پیدا کنید؟

بله، بعضی‌ها اشیای قیمتی‌شان را در جاهای عجیبی مخفی می‌کردند. مثلاً پیش‌امده‌بود که طلا و جواهرات را در خاک گلدان یا حتی خاک گربه پنهان کرده‌بودند.

از هر سرفت چقدر گیرتان می‌آمد؟

بستگی به خانهای داشت که سرفت می‌کردیم، اما معمولاً ارزش اموالی که به دست می‌آوردیم بین ۵ تا ۲۰ میلیارد تومان بود.

اموال سرفتنی را چگونه می‌فروختی؟

طلا و جواهرات را از طریق دختر مورد علاقه‌ام می‌فروختم. دلار و سکه هم روش خاص خودش را داشت و آنها را جداگانه به پول تبدیل می‌کردیم.

اسیدپاشی خواستگار کینه‌جو به خودروی دختر جوان

شدم، اما نمی‌دانستم تمام ادعاهایش دروغ است.»

وی در ادامه توضیح داد: «بعد از مدتی تصمیم گرفتم درباره او تحقیق کنم. در جریان بررسی‌ها متوجه شدم نه‌تنها مهندس نیست، بلکه متأهل است و دو فرزند دارد. وقتی این موضوع را فهمیدم، تصمیم گرفتم به رابطهام با او پایان بدهم و پیشنهاد ازدواجش را رد کردم.»

تهدید خواستگار پس از خودتان می‌بردید؟

بله، اگر به هر دلیلی نمی‌توانستیم گاوصندوقی را در خانه باز کنیم، آن را

گاوصندوق نمی‌شدند، آن را به مخفیگاه خود انتقال می‌دادند تا در فرصتی دیگر به محتویاتش دسترسی پیدا کنند. اما شیوه فعالیت این سارقان تنها به مهارت در باز کردن گاوصندوق محدود نمی‌شد. بررسی‌های فنی نشان داد آنها برای پنهان ماندن از چشم دوربین‌های مداربسته، پیش از اجرای نقشه خود برق کوچه یا محله را قطع می‌کردند. به این ترتیب، در تاریکی ایجادشده و زمانی که دوربین‌ها از کار می‌افتادند، وارد خانه‌ها می‌شدند و پس از سرفت، محل را ترک می‌کردند.

یک اثر انگشت، پایان نقشه سارقان

با وجود تلاش اعضای باند برای پاک کردن ردپاهایشان، یک اشتباه سرنوشت آنها را تغییر داد. کارشناسان تشخیص سرفت در جریان بررسی آخرین سرفت، اثر انگشتی را روی گاوصندوق کشف کردند که بررسی آن به شناسایی مردی سابقه‌دار به نام کامران منجر شد؛ متهمی که پیش از این چندین‌بار به اتهام سرفت از منازل بازداشت و روانه زندان شده‌بود. با شناسایی کامران، کارا اگاهان تحقیقات خود را برای یافتن مخفیگاه او آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد این متهم پس از آزادی از زندان، با سه نفر از دوستان گروهی برای سرفت از خانه‌ها تشکیل داده و در سرفت‌های سریالی نقش داشته‌است. کارا اگاهان سرانجام مخفیگاه اعضای باند را در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران شناسایی کردند و برای دستگیری آنها وارد عمل شدند. با حضور مأموران، متهمان که خود را در محاصره می‌دیدند، برای فرار به پشت‌بام رفتند و تعقیب و گریز آغاز شد.

در جریان این عملیات، سه نفر از متهمان موفق به فرار شدند، اما کامران هنگام عبور از روی دیواری تعادلش را از دست داد و از طبقه سوم به داخل کوچه سقوط کرد. او پس از برخورد با زمین بیهوش شد و در وضعیت کما به بیمارستان انتقال یافت.

اعتراف پس از یک هفته کما

کامران با تلاش تیم پزشکی از مرگ نجات پیدا کرد و پس از یک هفته به هوش آمد. او در جریان بازجویی‌ها به سرفت‌های سریالی همراه سه همدستش اعتراف کرد و درباره شیوه فعالیت این گروه توضیح داد.

پس از اعترافات متهم، مأموران موفق شدند سه همدست او را نیز شناسایی و بازداشت کنند. تحقیقات از متهمان در این پرونده ادامه دارد.

باورم نمی‌شود که زنده مانده‌ام

کامران که هنگام فرار از دست مأموران پلیس از طبقه سوم به داخل کوچه سقوط کرده‌بود، هنوز باور ندارد که از این حادثه مرگبار جان سالم به در برده است. او می‌گوید قدر فرصتی را که دوباره برای زندگی به دست آورده، می‌داند و تصمیم گرفته است از این پس خلافتکاری را کنار بگذارد و دیگر به زندگی گذشته‌اش برنگردد.

فکر می‌کردی به این زودی دستگیر شوی؟

نه، اصلاً فکرش را نمی‌کردم. یک اشتباه کوچک باعث شد شناسایی شوم. در آخرین سرفت، پیشانی‌ام خارش گرفت. دستکم‌ما درآوردیم تا پیشانی‌ام را بخارام، اما حواسم نبود که دستم به گاوصندوق برخورد کرد. همان اثر انگشت باعث شد پلیس مرا شناسایی کند. البته اگر از طبقه سوم سقوط نمی‌کردم، شاید این زودی دستگیر نمی‌شدم.

وقتی از طبقه سوم سقوط کردی، فکر می‌کردی زنده

بمانی؟

نه، اصلاً. فکر می‌کنم معجزه شد که زنده ماندم. هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم از آن ارتفاع به داخل کوچه سقوط کنم و جان سالم به در ببرم. بعد از این اتفاق، بیشتر از قبل قدر زنده بودنم را می‌دانم. تصمیم گرفتم‌اگر روزی از آدم‌شوم، خلافتکاری را کنار بگذارم و دیگر به زندگی گذشته‌ام نبرنگردم.

شدت تخریب شده‌بود و خیلی زود متوجه شدم که

بهنام روی آن مایع اسیدی پاشیده‌است. او بعد از این اتفاق تهدیدم کرد که اگر همچنان به پیشنهاد ازدواجش جواب منفی بدهم، این‌بار به صورت اسید می‌پاشد و مرا می‌کشد. از تهدیدهایش به‌شدت ترسیده‌ام و برای همین همراه پدرم به پلیس مراجعه کردم تا از او شکایت کنم.»

با ثبت شکایت دختر جوان، پرونده برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارا اگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. تحقیقات برای بررسی ادعاهای شاکی، شناسایی و احضار مر مظنون و روشن شدن ابعاد این حادثه در دستور کار مأموران قرار دارد.

یادداشت

پشت دیوار ناامیدی چه می‌گذرد؟



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

حرف زدن درباره خودکشی، به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی، فشارهای معیشتی و تعارض‌های خانوادگی، دور از ذهن نیست، اما آنچه اهمیت دارد، نحوه مواجهه جامعه با این بحران است؛ بحرانی که گاهی نشانه‌های آن دیده می‌شود، اما تا زمانی که به حادثه‌ای تلخ تبدیل نشده، جدی گرفته نمی‌شود. صحبت از پایان دادن به زندگی را نباید به حساب جلب توجه، تهدید توخالی یا

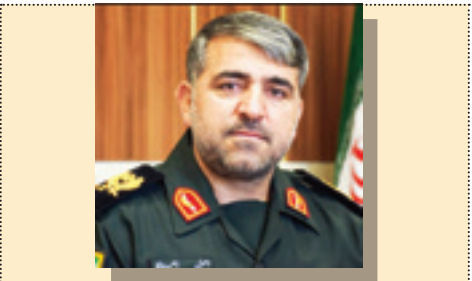
ظاهرسازی گذاشت. هیچ‌کس نمی‌تواند تنها با تکیه بر ظاهر رفتار یا تکرار گفته‌های یک فرد، درباره میزان خطر قضاوت کند. گاهی یک گفت‌وگوی آرام، شنیدن بدون قضاوت و کمک گرفتن از متخصصان می‌تواند فرصتی برای نجات جان انسانی فراهم کند. بی‌تفاوتی در چنین شرایطی ممکن است فرصت مداخله را از بین ببرد.

با این حال، تقلیل مسئله خودکشی به واکنش اطرافیان نیز خطاست. خانواده، دوستان و همکاران می‌توانند در شناسایی نشانه‌های خطر و رساندن فرد به خدمات حمایتی نقش مؤثری داشته باشند، اما قرار نیست بار تمام مشکلات را به‌تنهایی بر دوش بکشند. وقتی ریشه‌های بحران در فقر، ناامنی اقتصادی، مشکلات خانوادگی و احساس بی‌آیندگی گسترش می‌یابد، پیشگیری نیز باید از سطح توصیه‌های فردی فراتر برود.

مداخله اجتماعی زمانی اثربخش‌تر است که پیش از رسیدن انسان به نقطه فروپاشی آغاز شود. نمی‌توان اجازه داد فشارهای زندگی انباشته شوند و پس از آنکه فرد به مرز ناامیدی برسد؛ تنها با یک تماس یا مداخله کوتاه‌مدت انتظار داشت همه مشکلات برطرف شوند. نجات از یک موقعیت بحرانی به معنی پایان همکاری نیست؛ بلکه پیگیری وضعیت روانی، دسترسی به مشاوره و حمایت اجتماعی و کاهش عوامل فشارزا باید ادامه پیدا کند. در این میان، نقش نهادهای مسئول اهمیت ویژه‌ای دارد. شناسایی گروه‌های در معرض آسیب، دسترسی آسان و کم‌هزینه به خدمات روان‌شناختی، حمایت از خانواده‌های گرفتار در بحران و ازبایی مستمر وضعیت اجتماعی شهروندان باید بخشی از سیاست‌های پیشگیرانه باشد. اگر نشانه‌های افزایش آسیب‌های اجتماعی وجود دارد، پاسخ مؤثر صرفاً اعلام نگرانی یا مداخله پس از وقوع حادثه نیست؛ باید پیش‌گیری به‌عنوان زمینه‌ساز بحران شده‌اند و برای کاهش آنها چند اقداماتی صورت گرفته‌است.

از سوی دیگر، خانواده‌هایی که عزیزی را بر اثر خودکشی از دست می‌دهند نیز نباید فراموش شوند. این افراد ممکن است علاوه بر سوگ، با احساس گناه، پرسش‌های بی‌پاسخ و آسیب‌های روانی عمیق مواجه شوند. حمایت از آنان بخشی از مسئولیت اجتماعی و نظام خدمات حمایتی است، نه امتیازی که تنها در صورت درخواست صریح خانواده فراهم شود. ضرورت احتیاط در انتشار اخبار خودکشی انکارناپذیر است، اما سکوت خبری به‌تنهایی راه پیشگیری نیست. جامعه به اطلاع‌رسانی مسئولانه، آموزش عمومی و شناخت مسیرهای دریافت کمک نیاز دارد.

پیشگیری از خودکشی از لحنه‌ای آغاز می‌شود که مشکلات او هنوز قابل اقدام قرار گرفته است؛ از زمانی آغاز می‌شود که مشکلات او هنوز قابل شناسایی و قابل مداخله‌اند. باید متوجه شد که گرفتار در بحران را شنید و هم ساختارهایی را که می‌توانند از انباشته شدن رنج جلوگیری کنند، به‌یادآورد.جامعه‌ای که فقط پس از وقوع فاجعه به فکر چاره می‌افتد، فرصت‌های بسیاری را برای پیشگیری از دست داده‌است.



ارتقای درجه یکی از فرماندهان فراجا با موافقت رهبر معظم انقلاب

رسول احمدی، معاون اجرایی پلیس امنیت اقتصادی، به پیشنهاد سردار احمد رضا ارادان، فرمانده فراجا و با موافقت فرمانده معظم قوا، به درجه سر تیپ دومی ارتقا یافت. سردار رسول احمدی در سمت معاون اجرایی پلیس امنیت اقتصادی فعالیت دارد، مجموعه‌ای که مسئولیت مقابله با جرائم و تخلفات اقتصادی در حوزه مأموریت پلیس را بر عهده دارد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۵/۰۳۲۴/۰۱۰۰۵۴۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالحسین عباس پور فرزند شهبلی به شماره شناسنامه ۲۴۶۷۲ کد ملی ۲۳۹۹۱۰۳۵۲ صادره از گناوه را نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک باب خانه مساحت ۲۱۷/۴۳ مترمربع درقسمتی از پلاک ۹۱۷/۱۹ واقع در امام زاده گناوه خریداری مع واسطه از آقای ابول خادم زاده و شرکا محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوه ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تا ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
شناسه آگهی: ۲۲۹۴۹۵۸
محمد چهابدار
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکتاش

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۵/۰۳۲۴/۰۱۰۰۵۴۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا مظلوم فرزند اکبر به شماره شناسنامه ۲۵ ملی ۲۵۲۱۱۵۱۲۱۲۱ صادره از گناوه را نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک باب خانه مساحت ۲۸۵ مترمربع درقسمتی از پلاک ۹۱۷/۱۹ واقع در امام زاده گناوه خریداری مع واسطه از آقای احمد صادق زاده و شرکا محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوه ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تا ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
شناسه آگهی: ۲۲۹۴۹۵۵
محمد چهابدار
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکتاش

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۵/۰۳۲۴/۰۱۰۰۵۴۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالحسین عباس پور فرزند شهبلی به شماره شناسنامه ۳۶۷۲۲ کد ملی ۲۳۹۹۱۰۳۵۲ صادره از گناوه را نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک باب خانه مساحت ۱۸۱/۲۰ مترمربع درقسمتی از پلاک ۹۱۷/۱۹ واقع در امام زاده گناوه خریداری مع واسطه از آقای ابول خادم زاده و شرکا محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوه ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تا ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
شناسه آگهی: ۲۲۹۴۹۵۷
محمد چهابدار
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکتاش